



انجمن جامعه‌شناسی ایران
Iranian Sociological Association



اقتصاد در خلأ عمل نمی‌کند

واکاوی تجربه اصلاحات اقتصادی در ایران



گزارش نشست «اصلاحات اقتصادی و ما»

نشست «اصلاحات اقتصادی و ما» با هدف جستجوی زوایای جدیدی برای پرداختن به موضوع اصلاحات اقتصادی در تاریخ ۲۲ مهر ۱۴۰۵ برگزار شد تا فرصتی برای پی‌ریزی راه‌حل‌هایی فراتر از آنچه تاکنون در عمل پیاده شده فراهم شود.

تقریباً همه درباره اینکه ما در اقتصاد با بحران مواجهیم موافق‌اند اما تبیینی که از شرایط موجود و ریشه‌های بحران دارند متفاوت است. در مجموع چهار تبیین وجود دارد:

۱. تحلیل رسمی مقاومت

۲. تحلیل فرسایش حکمرانی

۳. تحلیل تکنوکراتیک (اصلاحات قیمتی مجزا)

۴. تحلیل براندازی (تغییر نظام سیاسی)

به نظر من ما از ابتدای انقلاب با سه دوره مختلف مواجهیم: از پیروزی انقلاب تا پایان جنگ هشت‌ساله، از شروع سازندگی تا نیمه دوم دهه ۸۰ و از نیمه دوم دهه ۸۰ تا کنون. در دوره سوم ما با نوعی فرسایش مشابه در اقتصاد، سیاست خارجی، جامعه و سیاست داخلی مواجهیم.



نوید رئیسی



تحلیل‌های تکنوکراتیک در اقتصاد وقتی با مشکلی مانند بنزین مواجه می‌شوند، می‌گویند قیمت‌ش باید افزایش پیدا کند و موضوع را از بافتار خود خارج می‌کند. نمی‌گویند شرایط اجتماعی و اقتصادی ما چیست. اگر چنین است، چرا این اقدام این‌همه در طول تاریخ تکرار شده و هنوز مسئله حل نشده است؟ جنس مسئله‌ای که این تبیین به آن نگاه می‌کند، بیش از حد ساده و تکنیکی است. می‌گویند من همه‌چیز را فرض شده می‌گیرم؛ جنگ سر جایش است و درباره‌اش حرف نمی‌زنیم، دربارهٔ اجتماع هم که من اقتصاد خوانده‌ام و حق صحبت ندارم، من فقط می‌دانم که این روش یارانه روی قیمت انرژی بد است.

این نگاه تاکنون امتحان‌های زیادی پس داده و نتایج آن به لحاظ اجتماعی با اعتراضاتی که در سال‌های اخیر دیدیم، سنگین‌تر از چیزی است که مدافعانش تصور می‌کنند.

”



نویدرئیسى



روند فرسایش از قواعدى مى آید
که در این دوره بر فضای حکمرانى
سیطره داشته است؛ در سیاست،
همینطور در اقتصاد و جامعه به دنبال
دیگرى سازی رفته و در تقابل با آن دچار
فرسایش شده است. به عنوان نمونه،
در سیاست داخلى جامعه به خودى و
غیرخودى تقسیم شده و در واکنش به
آن بخش هاى از جامعه نیز به حاکمیت
گفت تو هم برای من غیرخودى هستى.
وقتى که حاکمیت صندوق رأى را
محدودتر کرد و در عمل گفت من از
تظاهرات و خیابان مشروعیت مى گیرم،
جامعه نیز گفت من هم به خیابان
مى آیم و تظاهرات مى کنم و روند
فرسایش تشدید شد.

پارسال تقریباً همین موقع بود که شروع کردند
یارانه‌ها را بردارند که آزادسازی قیمت‌ها و فشار
اقتصادی به بحران و ماجرهای دی‌ماه انجامید.
خلاصه ماجرا از اینجا شروع شد که گفتند برای نجات
اقتصاد باید «جراحی» کنیم و جراحی هم همیشه
باید از کم کردن خرج مردم شروع شود. سؤال من از
منظر اقتصادی این است: آیا واقعاً کار درستی بود؟
آیا نسخه‌هایی که در دهه‌های گذشته برای اصلاح
اقتصاد و رشد آن پیچیدیم جواب داده؟



علی حسینی اسفیدواجانی



یک دوره‌ای گفتند صنایع دولتی را خصوصی کنیم مشکل حل می‌شود. صنایع دولتی را به حراج گذاشتیم و الان دولت درآمد ندارد اما هزینه‌هایش سر جایش است. آن موقع گفته می‌شد قرار است خصوصی کنیم و آلمان یا فرانسه بشویم، ولی نشدیم.

بعد گفتند مشکل سر تورم است و تورم را مهار کنیم. زمان آقای روحانی تورم به کمتر از ۱۵٪ هم رسید. آیا مسائل حل شد؟ آیا اوضاع خوب شد؟

یک عده می‌گویند بانک مرکزی را مستقل کنیم مشکل حل می‌شود؛ اولاً در ساختار سیاسی ایران هیچ‌وقت نمی‌شود بانک مرکزی را مستقل کرد، ثانیاً زمان آقای روحانی عملیات بازار باز را درست کردند که بیشتر اثرات بدش تا الان همچنان مانده است.

یک دوره گفتند گمرکات را برداریم و به بازارهای جهانی و گات بپیوندیم، و اخیراً هم دوباره که همه گیرها سرِ یارانه است.



هیچ نسخه از پیش‌آماده‌ای برای همه مناسب نیست.
نگاهی به نمونه‌های موفق در اقتصاد ساختاری جدید مانند چین
درس‌های زیادی برای اصلاح و رشد ما دارد.

از جمله این درس‌ها می‌توان به موارد زیر
اشاره کرد:

- حرکت اقتصاد باید مبتنی بر مزیت‌های
نسبی باشد

- از تغییرات ناگهانی (شوک‌درمانی) پرهیز کند

- از پیاده‌سازی‌های آزمایشی و محدود پیش
از اجرا استفاده شود

- از برنامه‌های موفق در کشورهای مشابه
الگوبرداری شود

- ...



علی حسینی اسفیدواجانی

چرا برخی تصمیم‌ها که با عنوان اصلاح اقتصادی معرفی می‌شوند، در جامعه به نتیجه مورد انتظار نمی‌رسند و حتی به بی‌اعتمادی و تنش‌ها دامن می‌زنند؟

»

اقتصاد در خلأ عمل نمی‌کند. هر تصمیم اقتصادی عملاً وارد زندگی واقعی آدم‌ها می‌شود؛ وارد خانه، محل کار، صف دارو، رفت‌وآمد روزانه و رابطه مردم با نهادهای عمومی. اگر این زندگی‌ها را در صورت مسئله ندیده باشیم، نمی‌توانیم پیامدهای تصمیم را درست بفهمیم. موضوع سخن من دآوری فنی درباره یک نرخ یا نسخه معین اقتصادی نیست؛ می‌خواهم از نقطه‌ای صحبت کنم که گاهی در گفتگوهای کارشناسی غایب است.



این «ما» که در عنوان نشست «اصلاحات اقتصادی و ما» نوشته شده شامل چه کسانی می‌شود؟ شامل چه کسانی نمی‌شود؟ آیا همه‌مان از یک تغییر قیمت، حذف حمایت یا جابه‌جایی در بودجه به یک اندازه تأثیر می‌پذیریم؟ اگر پاسخ منفی است و این «ما» یکپارچه نیست، چه کسانی فرصت دارند درباره این تصمیم‌ها حرف بزنند و چه کسانی فقط باید پیامدهایش را تحمل کنند؟

به عنوان نمونه در تحلیل افزایش قیمت سوخت، مثلاً برای زنی که در دو محل مختلف شهر کار می‌کند، برای سالمندی که هر هفته مجبور است به مرکز درمانی برود، یا برای فرد دارای معلولیتی که ناچار است از

وسیلۀ نقلیه گران‌تر استفاده کند، مقدار میانگین، تجربۀ متفاوت این افراد را نشان نمی‌دهد. مسئلۀ فقط کرایه نیست؛ خستگی، زمان صرف‌شده، خطر از دست دادن شغل، وابستگی بیشتر به دیگران و کاهش دسترسی به خدمات، همه بخشی از هزینه است. این تفاوت میان «مقدار متوسط» و «زندگی واقعی»، نقطۀ آغاز نگاه جامعه‌شناسانه است.



در ایده‌هایی مانند اصلاحات اقتصادی باید به چهار نکته توجه کرد:

۱. توزیع هزینه‌های گذار

هزینه انتقال از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب را چه کسانی می‌پردازند؟ وقتی منفعت وعده داده شده موکول به آینده‌ای نامعلوم و دستخوش عدم اطمینان بسیار است اما هزینه امروز بر دوش گروه‌هایی می‌افتد که حاشیه امن مالی ندارند، طبیعی است که آن‌ها سیاست را از منظر محاسبات کارشناسی نبینند و به آن اعتماد نکنند.

۲. شیوه تصمیم‌گیری و تفاوت اطلاع‌رسانی با مشارکت

مردم فقط به نتیجه تصمیم‌ها واکنش نشان نمی‌دهند، به شیوه تصمیم‌گیری هم واکنش نشان می‌دهند. اجرای ناگهانی، زبان تحقیرآمیز درباره نگرانی مردم، یا ابهام درباره محل مصرف منابع، اعتماد عمومی را فرسوده می‌کند. باید بین «اطلاع‌رسانی» و «مشارکت» فرق بگذاریم. اطلاع‌رسانی یعنی پس از تصمیم به مردم بگوییم چه اتفاقی خواهد افتاد؛ اما مشارکت یعنی پیش از نهایی شدن تصمیم، کسانی که قرار است هزینه آن را تحمل کنند از طریق تشکلهای صنفی، حرفه‌ای، انجمن‌ها و سازمان‌های مدنی و گروه‌های کمتر دیده‌شده، بتوانند درباره فرض‌ها، گزینه‌ها، زمان‌بندی و راه‌های جبران نظر بدهند



شیرین احمدنیا



۳. حافظه تاریخی و بی‌اعتمادی انباشته

اعتماد با درخواست از مردم تولید نمی‌شود. اعتماد حاصل انباشت تجربیات قبلی است. کسی که پیش از این یک بار تغییر را تحمل کرده اما جبران وعده داده شده را دریافت نکرده، سیاست تازه را با همان حافظه قبلی می‌سنجد. اعتراض اجتماعی حامل اطلاعاتی است که در طراحی سیاست دیده نشده است. سیاستی که راه بازخورد و تصحیح نداشته باشد، در برابر خطاهای خود آسیب‌پذیرتر می‌شود.

۴. صورت‌بندی مسئله

اصلاح نباید فقط نام مرحله آخر یعنی تغییر قیمت باشد. اگر می‌گوییم یک حمایت اقتصادی، ناکارآمد است، باید مشخص کنیم ناکارآمدی دقیقاً کجاست: هدررفت منابع، دسترسی نابرابر یا تأمین مالی ناپایدار؟ گاهی بهبود شیوه ارائه خدمات عمومی، مهار رانت و فساد و افزایش شفافیت از تغییر فوری قیمت‌ها مؤثرتر است.

”

شیرین احمدنیا

”

اقتصاد شاخص‌هایی مانند بیکاری، درآمد، مسکن، فقر، مهاجرت و ... را اندازه‌گیری و تحلیل می‌کند. اما سینمای مستند نشان می‌دهد وقتی این اعداد به زندگی انسان‌ها می‌رسند چه شکلی می‌شوند. بحث من درباره اقتصاد به معنای رایج آن نیست، درباره «امکان زندگی کردن» و «امکان انتخاب» در جامعه امروز است، اینکه آدم کجا و با چه کسی زندگی کند و بچه‌اش را چطور بزرگ کند. برای همین اسم این بخش را گذاشتم «اقتصاد در تجربه آدم‌های واقعی» و می‌خواهم دو سکانس از دو فیلمم را نمایش بدهم و درباره آن‌ها صحبت کنم.

d-mag.ir/p25465



اقتصاد به ما می‌گوید چند درصد بیکارند و چه تعداد مالک و مستأجرند. اما سینمای مستند تصویر دیگری از این مفاهیم در زندگی مردم پیش روی ما می‌گذارد تا ببینیم وقتی این آمارها به زندگی‌ها می‌رسد، چه شکل و شمایلی پیدا می‌کنند. مسکن یا حتی شغل - چنانچه در زندگی شخصیت‌های اصلی فیلم‌های «زنانگی» و «جایی برای زندگی» نیز تصویر شده - دیگر تنها مفهومی صرفاً اقتصادی نیست. امکان پایه‌ای‌ترین جنبه‌های زندگی مانند مادر بودن، پدر بودن، خانواده داشتن و تعلق داشتن است.



محسن استادعلی

بعد از سخنرانی‌ها
بخش پرسش و پاسخ
آغاز شد و حاضرین
جلسه نیز وارد بحث
شدند.



حمید استادی گفت وسط همه
این بی‌برنامگی و از دست رفتن
فلسفه سیاسی، من می‌خواهم
کمی خوش‌بین باشم؛ آیا دارم
خودم را گول می‌زنم اگر بگویم
نظام حکمرانی یک جاهایی
«ظرفیت یادگیری» دارد؟ مثلاً بعد
از فاجعه آبان ۹۸، دیگر جرات
نکرد یک‌شبه و پشت درهای
بسته دست به تغییر قیمت
بنزین بزند و این بار حداقل سعی
کرد قبلش درباره‌اش حرف بزند.
اما نوید رئیسی با این ایده
مخالفت کرد و گفت پاک کردن
صورت مسئله اسمش یادگیری
نیست. رئیسی گفت
سیاست‌مدار در ایران هیچ‌وقت از
سر پذیرش منطق بازار با
اقتصاددان موافقت نکرده. هر
وقت پولش تمام شده و به
بن‌بست خورده، به یک‌باره قیمت
را به صورت جهشی بالا برده و
بعد هم اقتصاددان را مقصر
کرده‌اند که شما طرفدار
گران‌سازی هستید

آریانا شهریاری دانشجوی علوم اجتماعی درباره
نامیدی‌اش از اصلاحات از بالا گفت و درباره
جایگاه کار داوطلبانه و کنشگری‌های مدنی به
عنوان نوعی تلاش برای اصلاحات از پایین و نقش
آن در حل این بحران‌ها پرسید. سينا جلالی گفت
اساسا آیا در دنیا چیزی به نام اصلاحات موفق از
پایین داریم؟ صبا پورمحمدی پرسید جامعه با
تمام تنوع و گوناگونی‌اش چگونه ممکن است از
یک سیاست اصلاحی راضی شود؟ خانم نبی‌پور
یکی دیگر از شرکت‌کنندگان که معلم بود پرسید
فساد چقدر در چنین اصلاحاتی نقش دارد؟ و
سپس توضیح داد که در سطح خرد و حتی در
مدارس دولتی دیده که پولی که از والدین
می‌گیرند ناپدید می‌شود و درباره اصلاحاتی پرسید
که فساد حتی در لایه خُرد نیز در آن دیده شود و
افراد نسبت به آن احساس بی‌تفاوتی نکنند.

d - m a g . i r / p 2 5 4 6 5



احمد فخیم دوگانه اصلاحات از بالا یا از پایین را از اساس زیر سوال برد و گفت من به صورت همزمان، هم از گفتار امر خودگردان (اتونوم) و جدا از دولت و هم از گفتار نئولیبرال پینوشه‌ای می‌ترسم،

خدمات پایه همگانی * Universal Basic Services

درآمد پایه همگانی ** Universal Basic Income

چون هر دو از دولت سلب مسئولیت می‌کنند. ما باید یقه دولت را بگیریم که در قبال آموزش، بهداشت و خدمات پایه همگانی (*UBS به جای **UBI) مسئول است.

سال ۱۳۶۶ در اوج جنگ و ۶ سال پس از شروع آن، مهندس موسوی می‌گفت پارسال سال بدی بود چون ۲۵٪ تورم داشتیم، اما امسال تنها چند ماه بعد از شروع جنگ، رئیس‌جمهور و وزیر اقتصاد افتخار می‌کنند که تورم فقط ۷۰٪ است.



مصیب دوانی، کارشناس بازنشسته وزارت اقتصاد و دارایی گفت برای مردم عادی از چهار هدف اقتصاد کلان یعنی رشد، اشتغال کامل، ثبات قیمت‌ها و تراز پرداخت‌ها، مهم‌ترین چیز این است که آیا درآمدشان تا آخر برج می‌رسد یا بیستم برج کم می‌آید و از سخنرانان خواست تا به صورت مشخص‌تر بگویند راه حل چیست.



نسخه کامل روایت مهدی نانکلی از
نشست اصلاحات اقتصادی و ما را
همراه با تصاویر بیشتر در وبسایت
مجله دقیقه مشاهده کنید:

d-mag.ir/p25465



این نشست با همکاری مجله دقیقه، انجمن جامعه‌شناسی ایران و
انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران برگزار شد.